

سوره انبیاء

به نام خدای خوب مهربان

حساب و کتاب مردم خیلی نزدیک است؛ در حالی که آن‌ها با غفلتِ تمام، به آن بی‌اعتنایند! ^۱ هر حرف تازه‌ای از طرف خدا برایشان می‌آید، ظاهراً خوب گوش می‌دهند؛ اما آن را به شوخی می‌گیرند و دلشان متوجه دنیاست!

سران بدکارشان آهسته بیخ گوش هم گفتند: «مگر نه اینکه این هم بشری مثل شماست؟! با اینکه چشم دارید و می‌بینید، به طرف حرف‌های سحرآمیزش می‌روید؟!» ^۲ ^۳ پیامبر گفت: «هر حرفی در آسمان یا زمین زده شود، از جمله همین سخن‌های درگوشی‌تان را خدا می‌داند؛ زیرا او شنوای داناست.» ^۴

بدتر از آن، ادعا کردند: «قرآن خواب‌های آشفته است. بلکه پیامبر، خودش آن را ساخته! نه، اصلاً او خیال باف است؛ وگرنه باید برایمان معجزه‌ای می‌آورد؛ همان طور که پیامبران قبلی هم با معجزه فرستاده شدند.» ^۵ قبل از آن‌ها هر شهری را که نابود کردیم، با آمدن معجزه درخواستی‌شان ایمان نیاورده بودند. حالا این‌ها با چنین معجزه‌ای ایمان بیار هستند؟! ^۶

قبل از تو هم، تمام فرستاده‌های ما برای پیامبری، انسان‌هایی بودند از جنس مردم؛ با این فرق که به آن‌ها وحی می‌کردیم. اگر از این بی‌خبرید، خب، از عالمان یهود بپرسید. ^۷ پیامبران را با بدنی نیافریدیم که به غذا احتیاج نداشته باشد. عمر جاویدان هم نداشتند. ^۸

به وعده‌ای که به آن‌ها داده بودیم، وفا کردیم و آن‌ها و هرکس را که شایسته نجات یافتن می‌دانستیم، نجات دادیم و جنایتکارها را نابود کردیم. ^۹ برایتان کتابی فرستاده‌ایم که بهترین برنامه زندگی‌تان در آن است. پس چرا عقلتان را به کار نمی‌اندازید؟! ^{۱۰}

چه شهرهای زیادی را که در نتیجهٔ ظلم کردن مردمش در هم کوبیدیم و نسل‌های تازه‌ای به جایشان روی کار آوردیم! ۱۱

آن قبلی‌ها، به محض اینکه شستیشان خبردار می‌شد که عذابمان در راه است، از شهرشان پا به فرار می‌گذاشتند! ۱۲ درونشان غوغا بود: «فرار نکنید! برگردید به همان زندگی‌های مرقّه و خانه‌های مجلّتان؛ شاید فقرا دوباره از شما کمک بخواهند!» ۱۳ اینجاست که اعتراف می‌کردند: «ای وای ما! واقعاً که بد کردیم!» ۱۴ یکسره همین را تکرار می‌کردند تا اینکه آن‌ها را، مثل علف‌های هرز، درو کردیم و صدایشان را برای همیشه خفه کردیم! ۱۵

آسمان و زمین را و آنچه میان آن‌هاست، برای سرگرمی نیافریده‌ایم که حساب و کتاب و معادی در کار نباشد. ۱۶ به فرض محال هم می‌خواستیم تفریحی بکنیم، چیزی متناسب با خودمان انتخاب می‌کردیم! ۱۷ بله، اهل بازی و سرگرمی نیستیم؛ بلکه حقیقت را بر فرق توهم می‌کوبیم تا آن را در هم بشکند و توهم درجا محو شود. وای بر شما از توصیفی که دربارهٔ هدف آفرینش می‌کنید! ۱۸

اختیار اهل آسمان‌ها و زمین دست اوست و فرشتگان و بندگان خاص خدا هیچ وقت خودشان را بالاتر از این نمی‌بینند که او را نپرستند. خسته هم نمی‌شوند. ۱۹ شبانه‌روز، به پاکی یادش می‌کنند. کسل هم نمی‌شوند. ۲۰ آن موجودات زمینی که بت پرست‌ها معبود خود می‌دانند، آیا می‌توانند مرده‌ها را زنده کنند؟! ۲۱

به فرض محال، در زمین و آسمان معبودهایی جز خدا وجود داشت، همه‌جا به هم می‌ریخت. خدا که ادارهٔ جهان به دست اوست، به دور است از توصیف‌هایی که می‌کنند. ۲۲ او برای کارهایش بازخواست نمی‌شود؛ ولی معبودهای بت پرست‌ها بازخواست می‌شوند. ۲۳

آیا بت پرست‌ها به جای او، معبودهایی انتخاب کرده‌اند؟! بگو: «دلالتان را بگویید. پیام مشترک قرآن و کتاب‌های آسمانی قبلی یکتایی خداست.» ولی بیشترشان این حقیقت را نمی‌فهمند و برای همین به آن بی‌اعتنایند. ۲۴

قبل از تو هر پیامبری فرستادیم، بدون استثنا به او وحی کردیم که: «معبودی جز من نیست. پس مرا پرستید.» ۲۵

بت پرست‌ها ادعا می‌کردند: «خدا برای خودش فرزندی گرفته است.» او به دور از این حرف‌هاست؛ بلکه فرشتگان بندگان خوب خدایند ۲۶ که درس‌سخن‌گفتن، بر خدا پیش‌دستی نمی‌کنند و طبق دستور او عمل می‌کنند. ۲۷ خدا از کارهایشان و منشأ پیدایش آنان باخبر است. فرشتگان فقط کسی را شفاعت می‌کنند که خدا دینش را پسندیده باشد. تازه، خودشان هم از ترس هیبت الهی هراسان‌اند. ۲۸ هر کدامشان بگویند: «من معبودی به جای خدا هستم و شایسته پرستش»، با عذاب جهنم مجازاتش می‌کنیم. بله، بدکارها را این‌طور مجازات می‌کنیم. ۲۹

بت پرست‌ها آیا نمی‌دانند که در آغاز آفرینش، آسمان‌ها و زمین به هم چسبیده بودند و ما از هم جدایشان کردیم؟! هر موجود زنده‌ای را هم به آب وابسته کردیم؟! پس چرا باور نمی‌کنند اداره جهان به دست ماست؟! ۳۰

در زمین کوه‌هایی ریشه‌دار گذاشتیم تا زمین بالرزه‌های دائمش زندگی مردم را به هم نریزد و در آن، راه‌هایی پهناور گذاشتیم تا مردم راحت به مقصدهایشان برسند. ۳۱ آسمان را هم مثل سقفی قرار دادیم و از دسترس شیاطین^۲ حفظش کردیم. بت پرست‌ها به نشانه‌های ما در آسمان بی‌اعتنایند. ۳۲ اوست کسی که شب و روز و خورشید و ماه را آفریده است که هر یکشان در مداری حرکت می‌کند. ۳۳

تابه حال، به هیچ بشری عمر جاودان ندادیم. اگر از دنیا بروی، آیا بت پرست‌هایی که در آرزوی مرگ نشسته‌اند، جاودان می‌مانند؟! ۳۴ بالاخره، هر کسی طعم مرگ را می‌چشد. با اتفاق‌های بد و خوب امتحانتان می‌کنیم و آخرکار هم، فقط به سوی ما برتان می‌گردانند. ۳۵

۱. در این باره، آیه ۱۱ سوره فصلت و قبل و بعدش (ص ۴۷۷) را ببینید.

۲. با توجه به آیه ۱۶ تا ۱۸ سوره حجر (ص ۲۶۳) چنین آورده‌ایم.

وقتی بت پرست‌ها تو را می‌بینند، غیر از اینکه به مسخره‌ات می‌گیرند، انگار کاری ندارند: «آیا این همان است که از بت‌هایتان بد می‌گوید؟» خب، طبیعی است: به خدای رحمان که ایمان و اعتقادی ندارند! ۳۶ انگار ناف انسان را با عجله کردن بریده‌اند! عذاب‌هایم را به شما بت پرست‌ها به همین زودی‌ها نشان می‌دهم؛ پس عذاب فوری از من نخواهید! ۳۷

به مسخره می‌پرسند: «اگر راست می‌گویید، این وعده عذاب کی می‌رسد پس؟!» ۳۸ کاش این بی‌دین‌ها می‌دانستند چه حالی دارند آن وقتی که نتوانند آتش را از پیش رو و پشت سرشان دور کنند و کسی هم به آن‌ها کمکی نکند! ۳۹ تازه، عذاب یک دفعه سراغشان می‌آید و مات و میبهوشان می‌کند؛ به طوری که نه می‌توانند از خودشان دورش کنند و نه مهلت دوباره داده می‌شوند! ۴۰

البته پیامبران قبل از تو را هم دست می‌انداختند؛ پس همان عذاب‌هایی به جانشان افتاد که مسخره‌اش می‌کردند. ۴۱ بگو: «اگر قرار باشد عذاب بیاید، چه کسی شما را در شب و روز از عذاب خدای رحمان محافظت می‌کند؟!» باین همه، آن‌ها به آیه‌های الهام بخش قرآن بی‌اعتنایند. ۴۲ یا مگر معبودهایی دارند که در برابر ما از آن‌ها دفاع کنند؟! آن معبودها نه می‌توانند به داد خودشان برسند و نه از طرف ما حمایت می‌شوند. ۴۳

بت پرست‌های مکه و اجدادشان را از امکانات مادی بهره‌مند کردیم؛ طوری که خیال می‌کردند حالا حالا‌ها زنده‌اند. چرا نمی‌بینند که ما سراغ مردم کره زمین می‌آییم و نسل‌ها را یکی پس از دیگری منقرض می‌کنیم؟! خب، این‌ها می‌توانند جلوی انقراض خود را بگیرند؟! ۴۴

بگو: «من فقط بر اساس وحی، شما را از عاقبت کارتان می ترسانم»؛ ولی به آن‌هایی که گوش شنوا ندارند، وقتی هشدار داده می شود، دعوت الهی را نشنیده می گیرند! ۴۵ البته اگر گوشه‌ای از عذاب خدا پُر قبایشان را بگیرد، فریاد می زنند: «ای وای ما! واقعاً که بد کردیم!» ۴۶

روز قیامت، ملاک‌های داوری عادلانه را به صحنه می آوریم.^۱ به کسی هم ذره‌ای ستم نخواهد شد. اگر به اندازه‌ی ارزنی خوب و بد در کار باشد، از قلم نمی اندازیم و همین بس که حسابگر ماییم. ۴۷

به موسی و هارون تورات را دادیم که جداکننده‌ی حق از باطل بود و روشنگری‌های ارزشمند و یادآوری‌های مفید برای خودمراقبان در آن بود؛ ۴۸ همان‌هایی که از ترس عذاب نادیده،^۲ از خدا حساب می برند و از تصور آمدن قیامت در بیم و امیدند. ۴۹

این قرآنی که فرستاده‌ایم، خجسته‌کتابی است، پراز یادآوری‌های سودمند. آن وقت، شما انکارش می کنید؟! ۵۰

قبل از موسی و هارون هم، ابراهیم را به رشد معرفتی رساندیم؛ چون ما از شایستگی‌هایش باخبر بودیم. ۵۱ وقتی ابراهیم از عمو و قومش پرسید: «این مجسمه‌های بی جان چیست که خودتان را وقف پرستش آن‌ها کرده‌اید؟!» ۵۲ جواب دادند: «خب، ما دیدیم پدرانمان هم همین‌ها را می پرستند.» ۵۳

ابراهیم گفت: «جداً که شما و پدرانتان غرق گمراهی هستید.» ۵۴ گفتند: «این حرف‌ها را جدی می زنی یا داری سربه‌سرمان می گذاری؟!» ۵۵ گفت: «شوخی کدام است؟! خدا صاحب آسمان‌ها و زمینی است که خودش به وجودشان آورده. من این حقیقت را با همه‌ی وجودم لمس می کنم.» ۵۶ بعد، با خودش گفت: «به خدا قسم، در غیاب و غفلت شما نقشه‌ای برای بت‌هایتان اجرا خواهم کرد!» ۵۷

۱. آیه ۸ و ۹ سوره اعراف (ص ۱۵۱) نیز در این باره است.

۲. منظور جهنم است که در دنیا نمی توان دیدش.

پس در فرصتی مناسب، همهٔ بت‌ها را شکست و تکه‌تکه کرد، جز بت بزرگ را، تا بلکه بت پرست‌ها سراغ آن بروند. ۵۸

با دیدن آن صحنه، عده‌ای گفتند: «چه کسی این بلا را سر بت‌هایمان آورده؟! واقعاً آدم خبیثی بوده.» ۵۹ عده‌ای هم گفتند: «شنیده‌ایم جوانکی که به او ابراهیم می‌گویند، پشت سر بت‌هایمان بد می‌گفت!» ۶۰

سران بت پرست دستور دادند: «بیاوریدش جلوی چشم همه؛ شاید آن‌هایی که بدگویی‌هایش را شنیده‌اند، علیه او شهادت دهند!» ۶۱ وقتی آوردندش، پرسیدند: «ابراهیم، تو این بلا را سر بت‌هایمان آورده‌ای؟!» ۶۲ گفت: «معلوم است که بت بزرگ این بلا را سرشان آورده! از همین بت‌ها پیرسید، البته اگر بتوانند حرف بزنند!» ۶۳

پس لحظه‌ای به خود آمدند و در دل با خود گفتند: «این شماست که خطا کارید، نه ابراهیم.» ۶۴ آن وقت، با سرافکنندگی جواب دادند: «تو خودت خوب می‌دانی که این بت‌ها حرف نمی‌زنند!» ۶۵ ابراهیم فرصت را غنیمت دانست و گفت: «یعنی به جای خدا، چیزهایی را می‌پرستید که ذره‌ای به شما نه سود می‌رسانند و نه ضرر می‌زنند؟! ۶۶ تُف بر شما و چیزهایی که به جای خدا می‌پرستید! پس چرا عقلتان را به کار نمی‌اندازید؟!» ۶۷

سران بت پرست پیشنهاد دادند: «اگر مرد عملید، ابراهیم را بسوزانید و به داد بت‌هایتان برسید!» ۶۸ عاقبت، او را در آتش انداختند! ما هم فرمان دادیم: «آتش! برای ابراهیم سرد باش و بی‌خطر!» ۶۹ آن‌ها نقشهٔ نابودی ابراهیم را کشیده بودند؛ ولی ما آن‌ها را به شکست مفتضحانه کشانیدیم. ۷۰

او و لوط را با مهاجرت به سرزمین حاصلخیز شامات، از دست بت پرست‌ها نجات دادیم. ۷۱ پسری هم به نام اسحاق به ابراهیم بخشیدیم و علاوه بر آن، نوه‌ای به نام یعقوب. همگی شان را افرادی شایسته کردیم. ۷۲

آنان را راهبرانی کردیم که به فرمان ما، مردم را به خوشبختی می‌رسانند.^۱ همچنین، به آنان توفیق دادیم برای انجام دادن کارهای خوب و خواندن نماز با آدابش و دادن صدقه؛ زیرا تنها ما را عبادت می‌کردند.^{۷۳}

اما لوط: به او هم حکمت و دانش عطا کردیم و از دست مردم شهری نجاتش دادیم که به کارهای بسیار زشت و کثیف مشغول بودند. واقعاً که آن‌ها مردم بد و منحرفی بودند.^{۷۴} او را مشمول لطف خودمان کردیم؛ زیرا او هم جزو شایستگان بود.^{۷۵}

اما نوح که قبل از این پیامبران زندگی می‌کرد: وقتی صدایمان زد، به او جواب مثبت دادیم و او و خانواده و پیروانش را از فشار طاقت‌فرسای زندگی در میان بی‌دین‌ها نجات دادیم.^{۷۶} و او را در برابر مردمی یاری کردیم که آیه‌های ما را دروغ می‌دانستند. آن‌ها مردم بدی بودند و به همین دلیل، همگی شان را غرق کردیم.^{۷۷}

حالا بشنو از داوود و سلیمان: روزی دربارهٔ چگونگی جبران خسارت مزرعه‌ای مشورت می‌کردند که شب‌هنگام، گوسفندان عده‌ای در آن چریده و پامالاش کرده بودند. ما موقع قضاوت پیامبران هم، حاضر و ناظر بوده‌ایم.^{۷۸} آن وقت، روش بهتر اجرای حکم را به سلیمان فهمانیدیم.^۲ البته به هر دویشان حکمت و دانش عطا کرده بودیم. کوه‌ها و پرندها را هم رام کردیم تا در رکاب داوود، تسبیح خدا بگویند. ما از این کارها زیاد کرده‌ایم.^{۷۹}

به خاطر شما، فوت و فن زره‌سازی را به داوود یاد دادیم تا آن زره‌ها، از ضربه‌های سفت و سخت حفظتان کند. اصلاً شکرگزار این همه نعمت‌های خدا هستید؟!^{۸۰} تندباها را در اختیار سلیمان قرار دادیم تا به سوی سرزمین حاصلخیز شامات بوزند و گوش به فرمان او باشند. ما از همه چیز باخبریم.^{۸۱}

۱. معنای «امام» را در پاورقی دوم آیهٔ ۱۲۴ سورهٔ بقره (ص ۱۹) شرح داده‌ایم.

۲. گلهٔ گوسفندی شبانه وارد مزرعه‌ای می‌شود و محصولش را می‌خورد و لگدمال می‌کند. صاحب مزرعه از صاحب گله شکایت می‌کند. داوود علیه السلام حکم می‌دهد که در برابر خسارت‌های واردشده، گوسفندان به صاحب مزرعه برسند؛ ولی سلیمان به داوود علیه السلام می‌گوید: «پدرجان، راه جبران بهتری هم هست: گوسفندان پیش صاحب مزرعه بمانند تا او به مقدار خسارت‌های واردشده، از شیر و پشم و سایر منافعشان استفاده کند و آخر کار، به صاحب اصلی برشان گرداند.» هر دو راه حل عادلانه است و راه حل سلیمان علیه السلام، بهتر. خدا با این صحنه‌سازی واقعی، شایستگی او را برای جانشینی آیندهٔ پدرش به مردم ثابت می‌کند.

برخی جنیان زبروزنگ برای سلیمان غواصی می کردند و مروارید می آوردند. البته کارهای دیگری هم می کردند.^۱ ما آن ها را تحت فرمان نگه داشته بودیم.^۲ ۸۲

کمی هم درباره ایوب: وقتی خدا را این طور صدا زد: «خدایا، مشکلات طاقت فرسا به من رو آورده است. تو هم که از همه مهربان ها مهربان تری.»^۳ ۸۳

دعایش را مستجاب کردیم و تمام مشکلاتش را برطرف ساختیم. از سر لطفمان، بچه های مرده اش را زنده کردیم و تازه به همان تعداد هم به او بچه دادیم تا عبادت کنندگان ارزش صبر و دعا را بفهمند.^۴ ۸۴

در ضمن، اسماعیل و ادريس و ذوالکفل هم همگی جزو بندگان صبور بودند.^۵ ۸۵

آنان را مشمول لطف خودمان کردیم؛ زیرا آنان در ردیف بندگان شایسته بودند.^۶ ۸۶

حال، قصه یونس: در نتیجه ایمان نیاوردن مردم، با ناراحتی زودتر از انتظار از شهر خارج شد. خیال می کرد که بر او سخت نمی گیریم؛ اما نهنگی در دریا بلعیدش! در تاریکی شب، در آن فضای تنگ صدا زد: «معبودی جز تو نیست. کار درست تویی. در واقع، من بودم که به خودم بد کردم.»^۷ ۸۷ آن وقت، دعایش را مستجاب کردیم و از آن مخمصه نجاتش دادیم. بله، مؤمنان را این طور از گرفتاری ها نجات می دهیم.^۸ ۸۸

پیامبر دیگرمان زکریا هم خدا را صدا زد: «خدایا نگذار تنها باشم و نسلم قطع شود؛ هر چند که هر چه همه دارند، آخربه تو می رسد.»^۹ ۸۹ دعای او را هم مستجاب کردیم و به او بچه ای بخشیدیم به نام یحیی و همسرنازایش را برای دریافت این بخشش، آماده بارداری کردیم. آنان برای کارهای خوب سراز پا نمی شناختند و ما را با امید به بخشش ما و ترس از رنجش ما صدا می زدند و در برابر ما کاملاً متواضع بودند.^{۱۰} ۹۰

۱. منظور ساختن معبد، محراب، مجسمه، ظروف و دیگ های بزرگ غذاخوری است. آیه ۱۳ سبأ (ص ۴۲۹) را ببینید.
 ۲. درباره داوود و سلیمان علیهم السلام آیه های ۱۰ به بعد سبأ (ص ۴۲۹) و ۱۷ به بعد سوره ص (ص ۴۵۴) را هم بخوانید.
 ۳. آیه های ۴۱ به بعد سوره ص (ص ۴۵۵) هم، داستان حضرت ایوب علیه السلام را توضیح می دهد.
 ۴. درباره حضرت یونس علیه السلام آیه های ۱۳۹ به بعد صافات (ص ۴۵۱) را هم ببینید.
 ۵. درباره فرزندان ارشدن حضرت زکریا علیه السلام آیه های ۳۸ به بعد آل عمران (ص ۵۵) و ابتدای سوره مریم خواندنی است.

و در پایان، مریم: او در زندگی، پاک دامن بود. ما هم با اراده الهی مان باردارش کردیم و او و بچه اش را به عنوان معجزه ای بزرگ به جهانیان شناسانیم. ۹۱

در حقیقت، همه از یک نوعید و باید یک هدف را دنبال کنید و منم صاحب اختیاران؛ پس مرا عبادت کنید. ۹۲ حال آنکه مردم در کار دینشان دچار تفرقه شدند. به هر حال، همگی برای رسیدگی به اختلافاتشان، به سوی ما برمی گردند. ۹۳ بنابراین هرکه از روی ایمان و اعتقاد، کارهای خوب کند، کار و کوشش او نادیده گرفته نمی شود و ما همه را برایش ثبت و ضبط می کنیم. ۹۴

برای مردم شهرهایی که به خاطر ارتکاب کارهای زشت نابودشان کرده ایم، برگشتن به دنیا ناممکن است. ۹۵

وقتی راه سیطره یا جوج و مأجوج بر همه عالم باز شود و آن ها از هر مکان بلندی بتازند و دنیا را به تسخیر خود دریاورند ۹۶ و وعده تخلف ناپذیر قیامت نزدیک شود، ناگهان چشمان جماعت بی دین خیره می شود؛ درحالی که می گویند: «ای وای ما که از چنین روزی حسابی غافل بودیم! نه، از آن بدتر: با سرگرم شدن به دنیا خودمان را به نفرمی زده بودیم.» ۹۷

همین شما و همان بت هایی که به جای خدای پرستیدید، هیزم جهنمی هستید که وارد آن خواهید شد. ۹۸ اگر این بت ها معبودهای واقعی بودند، پایشان به جهنم باز نمی شد! درحالی که همگی در جهنم ماندنی اند. ۹۹ بت پرست ها چنان عربده می کشند که به جز صدای خودشان هیچ صدای دیگری نمی شنوند! ۱۰۰

البته کسانی که قبلاً از جانب ما وعده امنیت خاطر گرفته اند، از جهنم دورند؛ ۱۰۱

۱. آیه های ۹۲ به بعد کهف (ص ۳۰۳) هم از این دو قوم یاد کرده اند. به احتمال زیاد، مأجوج و مأجوج همان اقوام مغول و تاتارند که امروزه در چین و اطراف آن زندگی می کنند. جالب اینکه مردم چین با سرعت عجیبی در حال پیشرفت اقتصادی و تثبیت سیطره سیاسی خود بر دنیا هستند! این اتفاق یکی از نشانه های آخرالزمان است.

به طوری که حتی صدایش را نمی شنوند. آنان، برای همیشه، غرق همان خوشی‌هایی خواهند بود که دلشان می‌خواهد. ۱۰۲ صدای به شدت وحشت‌انگیز شیپور قیامت حتی غصه‌دارشان نمی‌کند. فرشتگان الهی با این بشارت به استقبالشان می‌آیند: «این همان روزی است که به شما وعده داده می‌شد.» ۱۰۳ همان روزی که طومار آسمان را مثل کاغذ نوشته‌ای که لوله شود، لوله می‌کنیم و همان طور که برای بار اول، موجودات را آفریدیم، دوباره زنده‌شان می‌کنیم. این وعده‌ای است بر عهده‌ی ما که حتماً انجامش می‌دهیم. ۱۰۴

بعد از توراتِ موسی، در زبور داوود نوشتیم که: «حکومت بر زمین به بندگان شایسته‌ام می‌رسد!» ۱۰۵

حقایقی که در این سوره بیان شد، وسیله‌ی خوبی برای رسیدن مردمِ اهل عبادت به خوشبختی است. ۱۰۶ تو را هم برای این به پیامبری فرستادیم که با این حقایق، برای جهانیان مایه‌ی رحمت باشی. ۱۰۷

پیامبر، بگو: «اصلی‌ترین حقیقتی که به من وحی می‌شود این است: معبودتان فقط خدای یکتاست. آیا شما تسلیم این حقیقت می‌شوید؟!» ۱۰۸ اگر سرپیچی کردند، بگو: «برای همه‌ی شما، به طور مساوی، زنگ خطر را به صدا درآوردم و راستش، نمی‌دانم عذابی که به شما وعده داده شده، نزدیک است یا دور. ۱۰۹ البته خدا از حرف‌های آشکار و نقشه‌های پنهانتان باخبر است. ۱۱۰ نمی‌دانم! شاید تأخیر عذاب برای امتحان شماست و برای غرق شدنتان در خوش‌گذرانی، تا یک دفعه عذاب غافلگیرتان کند!» ۱۱۱

پیامبر ادامه داد: «خدایا، بین من و این‌ها عادلانه داوری کن. شما هم بدانید، آی بت پرست‌ها، صاحب ما خدای رحمان است که برای زخم‌زبان‌هایتان باید از او کمک گرفت.» ۱۱۲

سوره حج

به نام خدای خوب مهربان

مردم! در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید که زلزله پایان دنیا و شروع قیامت، حادثه‌ای هولناک است؛ ^۱ روزی که با آن زلزله مواجه می‌شوید، حتی هر مادری در حال شیردادن، بچه شیرخوارش را رها می‌کند و هر حامله‌ای جنینش را می‌اندازد! اصلاً خیال می‌کنی که عقل از سر مردم پریده؛ اما عقل از سرشان نپریده است؛ بلکه عذاب خدا وحشتناک است. ^۲

همیشه عده‌ای عوام هستند که درباره قدرت خدا در زنده کردن مرده‌ها چون و چرا می‌کنند، آن‌هم کورکورانه، و در بست دنبال هر شیطان سرکشی راه می‌افتند. ^۳ بناست که هرکس زیر علم شیطان برود، او از راه به درش کند و به طرف آتش سوزان ببرد! ^۴

مردم! اگر درباره زنده شدن بعد از مرگ شک دارید، ببینید که ما جدّتان آدم را از خاک آفریدیم. شما را هم در چند مرحله می‌آفرینیم: از ذره‌ای ناچیز، بعدش از لخته‌ای خون، آن وقت از تکه گوشتی کامل یا ناقص. با این سیر تکاملی به شما ثابت می‌کنیم که زنده شدن مرده‌ها ممکن است. جنین‌هایی را که صلاح بدانیم، حدود نه ماه در شکم مادران نگه می‌داریم. بعد، شما را به صورت نوزاد به دنیا می‌آوریم. کم‌کم بزرگتان می‌کنیم تا به جوانی برسید. بعضی‌هایتان در میان سالی از دنیا می‌روید و بعضی‌هایتان به سخت‌ترین دوره زندگی، یعنی پیری، می‌رسید تا بعد از داشتن آن همه علم و هوشیاری، دچار حواس‌پرتی شوید! همچنین، زمین را در زمستان، خشک و بی‌روح می‌بینی؛ ولی وقتی از برف و باران سیرابش می‌کنیم، به جنب و جوش می‌افتد و انواع گیاهان باطراوت را می‌رویاند. ^۵

این قدرت‌نمایی‌ها از سر آن است که خدا حقیقتی آشکار است و دائم بی‌جان‌ها را جان می‌دهد و از عهده هر کاری برمی‌آید. ۶ قیامت آمدنی است و جای هیچ شک و شبهه‌ای در آن نیست و خدا تک‌تک آن‌هایی را که در قبرهایند، دوباره زنده می‌کند. ۷

عده‌ای هم هستند که درباره این قدرت خدا چون و چرا می‌کنند، آن‌هم بدون دلیل عقلی یا الهام درونی یا استناد به کتاب روشنگر آسمانی. تازه، قیافه روشنفکری هم می‌گیرند تا مردم را از راه خدا به در کنند. این جماعت در همین دنیا رسوا می‌شوند. در آخرت هم، مره عذاب سوزان جهنم را به آن‌ها می‌چشانیم. ۸ ۹ این عذاب، تقاص همان کارهایی است که قبلاً کرده‌اید؛ وگرنه خدا به بندگان کمترین ظلمی نمی‌کند. ۱۰

بعضی‌ها هم هستند که خدا را با منفعت‌طلبی می‌پرستند: اگر خیری به آن‌ها برسد، دلگرم به آن‌اند و اگر به شری دچار شوند، به هم می‌ریزند! این‌ها نه دنیا دارند و نه آخرت. این است همان ورشکستگی جبران‌ناپذیر! ۱۱ به جای خدا، چیزهایی را صدا می‌زنند که نه ضرری به حالشان دارد و نه سودی. این است همان گمراهی پایان‌ناپذیر! ۱۲ در ضمن، جلوی کسانی خم‌وراست می‌شوند که ضررشان بیشتر از نفعشان است. واقعاً که بد تکیه‌گاهی‌اند و بد همدمی! ۱۳

خدا مسلمانانی را که کارهای خوب کرده‌اند، وارد باغ‌هایی پردرخت می‌کند که در آن‌ها، جوی‌ها روان است؛ زیرا خدا هر کاری بخواهد، می‌کند. ۱۴ هرکه خیال می‌کند خدا پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نمی‌کند و حالا از دیدن خلاف آن دارد حساسی می‌سوزد، طنابی به سقف ببندد و خودش را حلق آویز کند! بعد ببیند این ترفند عصبانیتش را می‌خواهاند یا نه! ۱۵

قرآن را این طور با آیه‌هایی روشن‌تر فرستادیم. علاوه بر این، خدا هر که را لایق بداند، دستش را می‌گیرد. ۱۶

آنان که اسلام آورده‌اند و آن‌ها که یهودی و صابئی^۱ و مسیحی و زرتشتی‌اند و آن‌ها که بت می‌پرستند، بر سرِ باورهایشان اختلاف دارند. خدا در قیامت بینشان داوری می‌کند؛ چون خدا شاهد همه چیز است. ۱۷

مگر این حقیقت را نمی‌بینی: هر که در آسمان‌ها و زمین است و همچنین، خورشید و ماه و ستاره‌ها و کوه‌ها و درخت‌ها و جنبنده‌ها، طبق خلقتشان و هر یک به روش خودش، در برابر خدا سجده می‌کند. خیلی از مردم هم سر به سجده می‌گذارند. ولی خیلی‌ها هم، با خودداری از آن، حقشان همین است که عذاب شوند! هر که را خدا این طور خوار کند، کسی نمی‌تواند با عزتش کند. خدا هر چه بخواهد، می‌کند. ۱۸

این‌ها، یعنی حق باوران و باطل‌گراها، مقابل هم‌اند که بر سر خدایی خدا اختلاف می‌کنند. پس برای بی‌دین‌های باطل‌گرا لباس‌هایی آتشین بریده و دوخته‌اند و از بالای سرشان، گدازه‌های سوزان رویشان می‌ریزند ۱۹ که پوست و گوشتشان را ذوب می‌کند! ۲۰ گرزهای آهنین نصیبشان می‌شود! ۲۱ هر بار که از شدت غم و غصه بخواهند از آنجا فرار کنند، برشان می‌گردانند و به آن‌ها می‌گویند: «بچشید عذاب سوزان جهنم را!» ۲۲

در طرف مقابل، خدا مسلمانان حق باور را که کارهای خوب کرده‌اند، وارد باغ‌هایی پر درخت می‌کند که در آن‌ها جوی‌ها روان است. به دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌شوند و در آنجا جنس لباس‌هایشان حریر نرم و نازک است. ۲۳

۱. درباره صابئی‌ها، پاورقی اول آیه ۶۲ سوره بقره (ص ۱۰) را ببینید.

همچنین، طوری زمینه چینی می‌شود که حرف پاکیزه بزنند و رفتار پسندیده کنند. ۲۴

به بی‌دین‌هایی که مانع بندگی خدا و ورود مسلمانان به مسجدالحرام می‌شوند، عذابی زجرآور می‌چشانیم. آنجا را برای همه مسلمانان، چه مقیم و چه مسافر، یکسان قرار داده‌ایم. کلاً آن عذاب سزای آن‌هایی است که با انحراف از حقیقت می‌خواهند در این سرزمین، ظالمانه دست به چنین کارهایی بزنند. ۲۵

مکان کعبه را برای تجدیدبنا به ابراهیم نشان دادیم و به او سفارش کردیم که در مراسم حج، چیزی را به جای من نپرست و خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان، نمازگزاران، رکوع‌کنندگان و سجده‌گزاران از هرچه رنگ و بوی بت پرستی دارد، پاک کن. ۲۶

بعد، مردم را برای مراسم حج دعوت کن که پیاده یا سوار بر هر مرکب تندرویی، از راه‌های دور راه می‌افتند و به سوی تو می‌آیند. ۲۷ تا خودشان ببینند که حج چه فایده‌های سرشاری برایشان دارد و در روزهای مشخص شده برای قربانی، وقت قربانی کردن دام‌های زیان‌بسته‌ای که خدا روزی‌شان کرده است، نام خدا را ببرند. آن وقت، اعلام کن: «از گوشت‌های قربانی بخورید و به نیازمندان فقیر هم بدهید.» ۲۸

بعد، با تراشیدن سر یا کوتاه کردن مو و ناخن، از احرام خارج شوند و بقیه اعمال حجاجشان را به جا آورند... تا اینکه دست‌آخر، دور خانه تاریخی کعبه طواف کنند. ۲۹

این است آداب حج. آنانی که به قوانین الهی احترام بگذارند، از نظر خدا این کار به نفع خودشان است. گوشت دام‌ها برای شما حلال است؛ مگر اینکه برای بت‌ها قربانی شده باشند. بنابراین، با حق طلبی و بی‌آنکه به جای خدا چیزی را پرستید، از بت‌های پلید و بردن نامشان موقع بریدن سر چهارپایان دوری کنید.

۱. آیه‌های ۱۲۴ به بعد بقره (ص ۱۹) و ۹۶ به بعد آل عمران (ص ۶۲) را هم ببینید.

۲. بقیه اعمال حج از این قرار است: بیتوته در «منا» در شب یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه و «رمی جمرات ثلاث» در این دو روز، طواف زیارت و نماز آن، سعی صفا و مروه و در نهایت طواف نساء که این آخری در ادامه آیه آمده است.

کسی که چیزی به جای خدا بپرستد، مثل این است که از اوج آسمان سقوط کند و پرنده‌های شکاری، وسط زمین و هوا، او را فوری طعمه خود سازند یا تندبادها به جایی دوردست پرتابش کنند! ۳۰ ۳۱

این است آداب حج. آنان که به نشانه‌های بندگی، به ویژه قربانی‌های نشان‌دار، احترام بگذارند، این از تقوای دلشان سرچشمه می‌گیرد. ۳۲ اجازه دارید از منافع قربانی‌های نشان‌دار، مثل خوردن شیر و سواری گرفتن، تا زمان قربانی‌کردن و تا رسیدن به مکه استفاده کنید. ۳۳

برای هر مصلحت دین‌داری هم، مراسم قربانی گذاشته بودیم تا وقت سربریدن دام‌های زبان بسته‌ای که خدا روزی‌شان کرده، نام خدا را ببرند. معبودتان معبودی یگانه است؛ پس در مراسم حج، در برابرش تسلیم باشید.

پیامبر! به حاجیان فروتن مژده بده؛ ۳۴ همانانی که وقتی یاد خدا به میان بیاید، دل‌هایشان به تب و تاب می‌افتد؛ در حوادث ناگواری که برایشان رخ می‌دهد، صبورند؛ نماز را با آدایش می‌خوانند و از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم، در راه خدا هزینه می‌کنند. ۳۵ قربانی‌کردن شترهای چاق و چله را برایتان جزو نشانه‌های بندگی در نظر گرفتیم. قربانی‌کردن نشان خیلی خیر برایتان دارد. هنگام تحرشان و وقتی هنوز ایستاده‌اند، نام خدا را ببرید. ۲ وقتی به پهلو افتادند و سرشان را بریدید، هم خودتان از گوشتشان بخورید و هم به فقیران آبرومند و گدایان نیازمند بدهید. حیوانات را این طور رام شما کردیم تا شکر کنید. ۳۶

با تقدیم گوشت قربانی و مالیدن خون آن به این‌ور و آن‌ور، هرگز به خدا نمی‌رسید! بلکه با نیت همراه با عمل درست به خدا می‌رسید. خدا برایتان این طور رامشان کرد تا با قربانی‌کردن به بزرگی یادش کنید؛ چون راه‌ورسم درست زندگی را نشانتان داده است. پیامبر، به درستکاران مژده بده. ۳۷

خدا از مسلمانان در برابر دشمنانشان جانانه دفاع می‌کند؛ زیرا خدا هیچ خائن نمک‌شناسی را دوست ندارد. ۳۸

۱. در این باره، آیه دوم سوره مائده و پاورقی دومش را بخوانید.

۲. گاو و گوسفند را از همان ابتدا به صورت خوابیده سر می‌زنند؛ اما شتر را پیش از سربریدن ابتدا نحر می‌کنند؛ یعنی چیزی نزنند در گودی زیر گلویش فرو می‌کنند تا خون از گلویش بیرون بیاید و بی‌حال شود.

کسانی که جنگ بر آنان تحمیل می‌شود، اجازهٔ جنگ و جهاد دارند؛ چون به آنان ظلم و تجاوز شده و خدا حتماً کمکشان می‌کند. ۳۹ همانانی که از شهر و دیارشان، به ناحق اخراج می‌شوند، تنها به این جرم که می‌گویند: «صاحب اختیارمان خداست.» اگر به فرض، خدا جلوی زیاده‌خواهی و خراب‌کاری بعضی مردم را به دست بعضی دیگر نگیرد، صومعه‌های راهبان و کلیساهای مسیحیان و معابد یهودیان و مساجد مسلمانان که در آن‌ها نام خدا را بسیار می‌برند، به کلی از بین می‌رود. البته خدا به آنانی که دینش را کمک کنند، کمک می‌کند؛ زیرا خدا قوی شکست‌ناپذیر است. ۴۰ همان کسانی که اگر به آنان قدرت و امکانات کافی بدهیم، جامعهٔ سالم دینی تشکیل می‌دهند و در آن، همگی نماز را با آدابش می‌خوانند و صدقه می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. بله، آخر عاقبت همهٔ کارها دست خداست. ۴۱

اگر بت پرست‌ها تو را دروغگو می‌دانند، اینکه چیز تازه‌ای نیست: قبلاً هم قوم نوح و عاد و ثمود پیامبران‌شان را دروغگو دانستند. ۴۲ همین‌طور هم، قوم ابراهیم و قوم لوط ۴۳ و مردم شهر مدین، یعنی قوم شعیب. موسی را هم فرعونیان دروغگو دانستند! به بی‌دین‌ها تا می‌شد مهلت دادم و با تمام شدن مهلتشان، گریبان‌شان را گرفتم! خب، چطور بود عکس‌العمل من؟! ۴۴

چه شهرهای زیادی که مردمش بدکار بودند و ما نابودشان کردیم و جزویرانه‌ای از آن‌ها به یادگار نماند! چه چاه‌های پرآبی که متروک شدند و چه کاخ‌های مستحکمی که بی‌صاحب ماندند! ۴۵ مگر به گوشه‌وکنار دنیا سفر نکرده‌اند تا سطح فکرشان بالا برود تا حقایق را بفهمند؟! یا حداقل گوشه‌شنوا پیدا کنند تا از دیگران بشنوند؟! در واقع، این چشم سرشان نیست که کور است؛ بلکه این چشم دلشان است که کور است! ۴۶

به مسخره، از تو عذاب فوری می خواهند! خدا هرگز خلاف وعده اش عمل نخواهد کرد؛ ولی عجله ای هم در عذاب ندارد؛ چون یک روز، از نظر خدا، مثل هزار سال با حساب شماست! ۴۷ چه شهرهای زیادی که مردمش بدکار بودند و تا می شد، به آن ها مهلت می دادم. با تمام شدن مهلتشان، گرفتار عذابشان می کردم. بله، به من ختم می شود آخر عاقبت همه. ۴۸

بگو: «مردم! من برایتان فقط هشدار دهنده ای باصراحتم. ۴۹ پس کسانی که ایمان بیاورند و کارهای خوب بکنند، آمرزش و روزی های بهشتی در انتظارشان است. ۵۰ کسانی هم که برای نابودی آیه ها و نشانه های ما تلاش می کنند و به خیال خودشان می خواهند حریف ما شوند، جهنمی اند.» ۵۱

قبل از تو، هر رسول و پیامبری فرستادیم، تا که می خواست آرزوهایش را برای نجات مردم عملی کند، شیطان با شبهه انداختن در دل مردم، در برآورده شدن آرزوهایش سنگ اندازی می کرد! ولی خدا شبهه های شیطان را بی اثر می ساخت و معارف خودش را در دل ها جا می انداخت؛ زیرا خدا دانای شکست ناپذیر است. ۵۲ خدا برای این دست شیطان را در شبهه انداختن باز می گذارد که امتحانی باشد، هم برای کسانی که در دل هایشان بیماری نفاق است و هم برای سنگدل ها. چنین بدکارهایی خیلی از واقع دورند! ۵۳

بله، خدا شک و شبهه های شیاطین را بی اثر می کند تا افراد با معرفت بدانند که اهداف و آرزوهای پیامبران مطلب حقی از طرف خداست و برای همین، به آن ایمان بیاورند و در برابرش تسلیم شوند؛ زیرا خدا مؤمنان را به راه درست زندگی می برد. ۵۴ ولی سران بی دین، دائم در حقانیت قرآن در تردیدند؛ تا آنکه در اوج غفلت، لحظه قیامت یک دفعه سراغشان بیاید یا عذاب روزی بی فردا^۲ در همین دنیا دامن گیرشان شود! ۵۵

۱. فرشته وحی، هم به محضر «رسول» می رسیده و هم به محضر «نبی» و با هر دو سخن می گفته است. ولی «رسول»، علاوه بر آن، فرشته وحی را هم می دیده است و فعالیت های دینی اش علنی تر و عمومی تر بوده است.

۲. «روزی بی فردا» یعنی روزی که دیگر فردا ندارد تا خطاهای گذشته را بشود جبران کرد.

در قیامت، معلوم می‌شود که فرمانروایی جهان هستی مال خدا بوده و هست و هم‌او بین مردم داوری می‌کند؛ پس کسانی که ایمان آورده و کارهای خوب کرده‌اند، در باغ‌های پُرناز و نعمت خواهند بود! ۵۶ کسانی هم که بی‌دینی کرده و آیه‌های ما را دروغ دانسته‌اند، عذابی خفت بار نصیبشان می‌شود! ۵۷

خدا به آنانی که در راه خدا مهاجرت کرده‌اند، آن وقت شهید شده یا به مرگ طبیعی مرده‌اند، رزق و روزی چشمگیر می‌دهد؛ زیرا تنها خدا بهترین روزی دهنده‌هاست. ۵۸ خدا به محلی واردشان می‌کند که خوششان بیاید؛ زیرا او دانای بردبار است. ۵۹

درستش هم همین است. خدا مظلومان را این‌طور یاری کرده است که اجازه داشته باشند به همان اندازه‌ای انتقام بگیرند که به ناحق اذیت و آزار شده‌اند؛ چون خدا خطاب‌بخش باگذشت است. ۶۰ مقابله به مثل قانون هستی است؛ همانند تقابل شب و روز؛ خدا در طول سال، مدتی شب‌ها را بلند و روزها را کوتاه می‌کند و مدتی روزها را بلند و شب‌ها را کوتاه. ۶۱ در ثانی، خدا شنوای بی‌ناست. ۶۱

احاطه خدا بر عالم و آدم به این دلیل است که او ماندنی است و چیزهایی که بت پرست‌ها به جای خدا صدا می‌زنند، همه نابودشدنی‌اند و دیگر اینکه تنها خدا بلندمرتبه بزرگ است. ۶۲

مگر نمی‌بینی که خدا از آسمان برف و باران می‌فرستد و زمین‌های خشک با آن سرسبز می‌شود؛ زیرا او نکته‌سنج آگاه است. ۶۳ آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال خداست و تنها او بی‌نیاز ستودنی است. ۶۴

۱. این آیه و هفت آیه بعدش هر کدام به دو اسم از اسامی خدا ختم می‌شوند؛ البته اگر «هُوَ» را هم اسم بدانیم. در آیه نهم هم، به بیانی، چهار اسم آمده است: مُحیی، مُمیت، حق و مالک. سرجمع، بیست اسم از اسم‌های خدا با بیانی زیبا در این نُه آیه به کار رفته است.

۲. پاورقی آیه ۲۹ سوره لقمان (ص ۴۱۴) را ببینید.

مگر نمی بینی که خدا تمام مواد و موجودات خشکی ها و نیز کشتی هایی را که به فرمانش در دریاها رفت و آمد می کنند، در اختیارشان گذاشته است؟ تازه، از برخورد اجرام آسمانی به کره زمین نیز، جز گاهی که خودش اجازه بدهد، جلوگیری می کند! آخر، خدا در حق مردم، دلسوز مهربان است. ۶۵

اوست که به شما زندگی می بخشد. بعد، شما را می میراند. آن وقت، شما را روز قیامت زنده می کند؛ ولی انسان در برابر این همه نعمت، ناشکر است! ۶۶

برای هر ملتی، عبادت های ویژه ای تعیین کرده بودیم که انجامش می دادند. برای مسلمانان هم همین طور. بت پرست ها نباید با تو درگیر شوند سِرا اینکه این ها را از کجا آورده ای! تو مردم را به سوی خدا دعوت کن؛ زیرا یقیناً در مسیر درست هدایتی. ۶۷ اگر باز هم به چون و چرا با تو ادامه دادند، بگو: «خدا از رفتارشان و روش برخورد با آن آگاه تر است.» ۶۸ همان خدا در هر چیزی که سرش اختلاف داشته اید، روز قیامت بینتان داوری می کند. ۶۹

مگر نمی دانی که خدا آنچه را در آسمان و زمین هست، می داند؛ چون همه آن ها در کتاب علم الهی موجود است و نگهداری شان هم که برای خدا آسان بوده است. ۷۰ بت پرست ها به جای خدا چیزهایی را می پرستند که نه خدا دلیلی بر حقانیتشان فرستاده است و نه خودشان اطلاع درستی از آن دارند! برای چنین بدکارهایی هیچ یآوری نیست. ۷۱

وقتی آیه های روشنگر ما را برایشان می خوانند، آثار انکار را در چهره سران بت پرست تشخیص می دهی؛ به طوری که کم مانده از شدت خشم، به کسانی حمله ور شوند که آیه های ما را برایشان می خوانند! بگو: «شما را به بدتر از این خشم و خشونتتان خبر بدهم؟ آتش جهنم! خدا آن را به بت پرست هایی مثل شما وعده داده و آن بد سرانجامی است!» ۷۲

مردم! به مثالی که در ادامه می‌آید، خوب گوش کنید: بت‌هایی که شما به جای خدا صدا می‌زنید، هرگز نخواهند توانست حتی یک مگس بیافرینند؛ هرچند برای این کار دست به دست هم بدهند! تازه، اگر مگس‌ها چیزی از آن بت‌ها بردارند، بت‌ها نمی‌توانند پَسش بگیرند! هم بت‌ها بیچاره و ناتوان‌اند و هم مگس‌ها! ۷۳

بزرگی خدا را آن‌طور که باید و شاید، نشناختند. خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است. ۷۴

برای راهنمایی مردم، خدا از بین فرشتگان مأمورانی انتخاب می‌کند و از میان مردم، پیامبرانی. خدا شنوای بی‌ناست، ۷۵ از اوضاع و احوال آینده و گذشته مأموران و پیامبرانش باخبر است و همه کارها به او ختم می‌شود. ۷۶

مسلمانان! نماز با رکوع و سجده کامل به جا آورید، خدا را بندگی کنید، کارهای خیر بکنید و برای مبارزه همه جانبه در راه خدا، سنگ تمام بگذارید؛ به امید آنکه در دنیا و آخرت خوشبخت شوید. خدا بود که از بیلتان گروهی انتخاب کرد... تا پیامبر شاهد کارهایشان باشد و آنان هم شاهد کارهای مردم. البته در دین اسلام که همان دین ابراهیم است، خدا به شما سخت نگرفت. هم او بود که شما را در کتاب‌های آسمانی قبلی و در این قرآن، مسلمان نامید. بنابراین، نماز را با آدابش بخوانید و صدقه بدهید و خودتان را به خدا بسپارید که او همه کاره شماست. خوب همه کاره‌ای است و خوب یار و یآوری! ۷۷ ۷۸